

شکلی



گروه نویسندگان

مترجم: هستی سعادت

## فهرست

۵	تپلی به دستشویی می رود
۲۱	تپلی به مهدکودک می رود
۳۷	تپلی و تولد کُپلی
۵۳	تپلی چه احساسی دارد؟
۶۹	تپلی نگران می شود
۸۵	تپلی عصبانی می شود
۱۰۱	تپلی باسواد می شود
۱۱۷	تپلی و راستگویی
۱۳۳	تپلی و چُغلی کردن
۱۴۹	تپلی از بدنش مراقبت می کند
۱۶۵	تپلی و مامان بزرگ



تیلی به دستشویی می رود

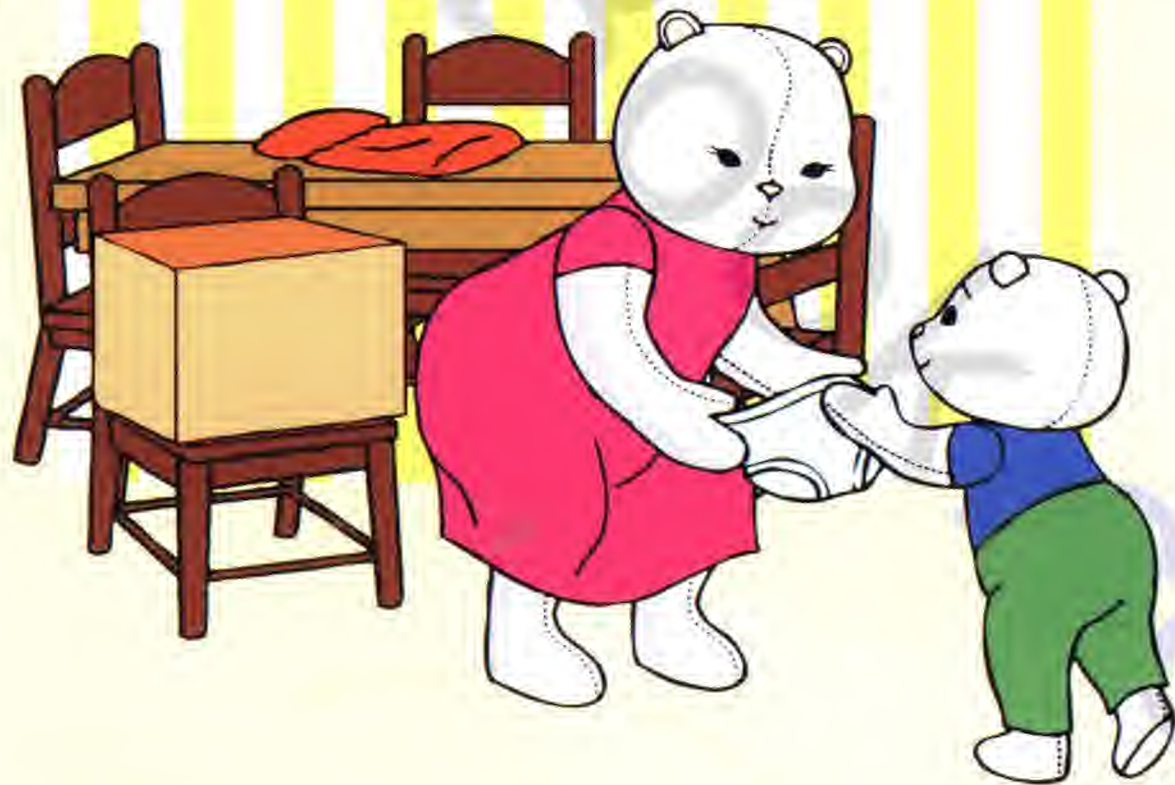




اسم من تپلی است .  
امروز برای اولین بار خودم به توالت رفتم .  
روز قبل به مامان گفتم : « من دیگر بزرگ  
شده‌ام . می‌خواهم خودم بروم توالت ! »  
مامان گفت : « خوب تپلی ، مثل این که  
آماده‌ای . به نظرم دلت می‌خواهد که  
این کار را یاد بگیری . من هم به تو کمک  
می‌کنم . اول یک لگن برایت می‌خریم . »

پدر و مادرها بخوانند  
آموزش دستشویی رفتن به کودک سن معینی  
ندارد . مهم این است که هر موقع آمادگی  
داشت به او آموزش دهید . پیش از موقع به او  
فشار نیاورید .





روز بعد مامان یک لگن خرید. درست  
اندازه‌ی من بود!

او برای من یک شورت هم خرید که  
شبيه پوشک بود ولی می‌توانستم هر  
وقت بخواهم آن را پایین بکشم یا  
در بیاورم.

لگن را در دستشویی پهلوی توالت  
گذاشتیم. خودم هم شورت را  
پوشیدم.





وقتی که بچه باشی، فرقی نمی‌کند که توله خرس باشی یا آدم. خرس‌ها به توله‌هایشان یاد می‌دهند که بدن آن‌ها مال خودشان است، پدر و مادرهای ما هم همین را به ما یاد می‌دهند. خرس‌ها وقتش که برسد به مدرسه می‌روند، ما هم همین‌طور. خرس‌ها احساس‌های مثبت و منفی زیادی دارند، ما هم همین‌طور. خرس‌ها آداب دستشویی رفتن را یاد می‌گیرند، ما هم همین‌طور. خرس‌ها عصبانی می‌شوند و یاد می‌گیرند که خودشان را کنترل کنند، ما هم همین‌طور. ممکن است خرس‌ها بعضی از کسانی را که دوست دارند از دست بدهند، ما هم همین‌طور. اگر باور نمی‌کنید، یازده داستان این کتاب را بخوانید!

